

بیان معنوی

چاپ چهارم

تحلیلی بر نگاه
امام (ره) به

هفت روزگانه

علیرضا پناهیان

فهرست:

- ۳ نگاه ما به نگاه امام(ره)
- ۴ نسبت امام(ره) با هنر و رسانه
- ۵ خطاب امام(ره) به هنرمندان
- ۶ هنر و درد دین
- ۹ هنر و دردهای جهان بشریت
- ۱۰ هنرو دردهای جامعه
- ۱۲ جلوگیری از ابتذال
- ۱۴ یک راهبرد برای عملی شدن هنر متعهد
- ۱۶ خطاب امام(ره) به مدیران رسانه ملی
- ۱۶ فراگیری رسانه
- ۱۸ رسانه و اولویت عدم ایجاد انحراف
- ۲۰ دانشگاه عمومی
- ۲۲ نقش اول و مسئولیت بالاتر
- ۲۴ ویژگی های اداره کنندگان رسانه

نگاه ما به نگاه امام(ره)

ما طبیعتاً برای حضرت امام(ره) احترام بسیاری قائل هستیم، ولی چیزی بالاتر از احترام و حتی علاقه داشتن به ایشان، این است که به امام(ره) معتقد باشیم. این اعتقاد ضمن آنکه تعیین کننده جهت حرکت فردی و اجتماعی ما خواهد بود، ما را به سلسله دیدگاه ها و مبانی مشترکی می رساند که برای هر نوع گفت و گو و تفکر جمعی لازم و ضروری است.

بنابراین اگر بخواهیم از میانه راه و از تکیه گاهی محکم و مطمئن آغاز کنیم، و به تفکر و برنامه ریزی در حوزه های فردی و اجتماعی بپردازیم، مناسب ترین و مطمئن ترین گزینه این است که نگاه امام(ره) را، در این مقطع، برای خودمان مبنای قطعی قرار دهیم.

اگر کسی بخواهد تشکیکی در دیدگاه های امام(ره) داشته باشد، باید در حد و اندازه های چنین جایگاهی باشد. یعنی اولاً باید بسیار هوشمند باشد. ثانیاً باید انسان، جامعه و جهان را بشناسد، و ثالثاً دین را هم بشناسد، و با آن برخوردی عالمانه و روشنفکرانه داشته باشد. لاقلاً اگر بخواهیم خیلی





روشنفکرانه سخن گفته باشیم، به عنوان یک پیش فرض، از این نقطه به بعد شروع کنیم، و اوضاع خود را سامان دهیم. یعنی سخن حضرت امام(ره) را لااقل به عنوان یک پیش فرض مبنای تفکر خود قرار دهیم.

حضرت امام(ره) در مورد موضوعی به هر مقدار نظری داده باشند، نظرات ایشان به شدت راه گشا است و اگر تفکر کنیم می توانیم از نظراتشان برداشت های فراوانی بکنیم چون تفکر در نظرات ایشان می تواند سرچشمه معارف بسیاری قرار گیرد. امام(ره) حرف غیر مفید نمی زدند. این اصلا زی سالکانه ایشان بود. اقتضای منش سالکانه و زاهدانه ایشان این بود که کم حرف می زدند. و حتما خودشان گزینش می کردند که چه چیزی را باید بگویند. لذا چیزهایی را هم که فرموده اند، جدا از اعتبارش می شود به اهمیتش هم بسیار اعتنا کرد.

نسبت امام(ره) با هنر و رسانه

جدای از همه آنچه اشاره شد، امام(ره) به دلیل عرفان و جامعیت معارفش، یک هنرشناس به تمام معنا، و به دلیل هنر تأثیرگذاری بر مردم، یک کارشناس مجرب رسانه ای است.



در مورد رسانه ای بودن امام(ره) هم نیاز به یادآوری نیست که امام(ره) یک نویسنده مبلغ بوده و یک سخنران موفق، او صاحب بیان نافذی است که به دلیل شناخت فوق العاده ای که از مخاطب دارد، و به دلیل قدرت انتخاب مطالب بی نظیر و طراحی بی بدیلی که در ارائه مباحث خود دارد، در مقام بیان بسیار مؤثر عمل می کند ایشان تنها یک متفکر نیست که نیاز داشته باشد دیگران اندیشه او را تبلیغ کنند، بلکه خود یک عنصر تبلیغاتی است. تبلیغات را چشیده و می فهمد.

خطاب امام(ره) به هنرمندان

حضرت امام(ره) در پیامی مکتوب خطاب به هنرمندان و خانواده شهداء در تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد، فرموده اند: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم - اسلام ائمه هدی علیهم السلام اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت ها باشد.»



اگر حساسیت و احتیاط شدید امام(ره) در بیان نظرات تفسیری خودشان را دیده باشید. آنجا که برخی از مفسرین پس از بررسی های نقلی و عقلی، معنا و تفسیر نهایی را ارائه می دهند ایشان نظر نهایی خود را اغلب به صورت احتمالی و با عباراتی مانند «محتمل است که»، «احتمال می رود» و «ممکن است»، مطرح می کنند. قطع پیدا کردن کسی که این چنین با احتیاط برخورد می کند، ارزش دیگری خواهد داشت. لابد هر هنرمند معتقد به قرآن بعد از این کلام، می ترسد به سمت هنری غیر از این هنر برود.

هنر و درد دین

امام (ره)، خود یک غبارزدایی با عظمت از اسلام انجام دادند و در شده با این درد دین داشتن یک الگوی تمام عیار بودند. چه برداشتهای غلط از اسلام را که برطرف نکردند. لذا از ایشان به راحتی می توان چنین توصیه های راهبردی را پذیرفت. ایشان در واقع دارند هنرمندان را در انجام این رسالت با عظمت به یاری دعوت می کنند.



در برخی از فرمایشات دیگر حضرت امام(ره) نیز شبیه همین مطلب وجود دارد. ایشان در وصیت نامه خود می فرمایند: مسأله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست، بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است.» و در ادامه همین فراز خطاب به وزارت خارجه می فرمایند: «باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده، از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهان گیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بارو غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته اند این گوهر گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود، طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن ا غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری اند!»



امام(ره) واقعا با هنرمندان طلبکارانه برخورد می کردند. از همه هنرمندان این را می خواستند که بیایند چهره حقیقی اسلام را نشان بدهند.

هنرمندی که بیان دیدگاه های خودش درباره هزار مسئله دیگر برای او بیشتر اهمیت دارد تا بیان حرف خدا، معلوم است که در اوج خودخواهی غرق است. هنرمند اساسا نمی تواند شعاری کار کند. گاهی برخی از هنرمندهای غیر مذهبی این حرف درست را می زنند: «هنر، فرمایشی نمی شود. با دستور و آیین نامه نمی شود هنر را تولید کرد.» فدای چنین حرف درستی، آدم لامذهب هم اگر گفته، فدای این کلمه اش که سخن خیلی قشنگی است.

بعضی ها تا می بینند معنویت یک بازاری پیدا کرده است، فیلم معناگرا می سازند که حرف هایی از دین و معنویت در آن وجود دارد، اما آخرش به امام حسین (ع) و دردهایی که بخاطر آن قیام کرد. ختم نمی شود. آدم درد دین دار، پای فیلم تربیت نمی شود، حضرت امام(ره) گویا میدانستند به زودی اقبال به معنویت در جامعه و به تبع آن پرداختن به معنویت،



افزایش خواهد یافت، ولی در کنار آن خطر تحریف معنویت هم زیاد خواهد شد. لذا به تبیین اسلام پرداختند که کدام اسلام به زبان هنر باید تبلیغ شود. مشخصات این اسلام را می فرمایند: «اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت ها».

هنر و دردهای جهان بشریت

آنگاه امام(ره) در ادامه می فرمایند:

هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام (توجه داشته باشیم امروزه در عرصه هنر وقتی بعضیها می آیند علیه سرمایه داری حرف بزنند، کمونیستی صحبت می کنند. و یا بالعکس: بگذریم.) و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد، و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد.»

اساساً امام(ره) هنر را وسیله صدور انقلاب می دانند. اتفاقی که تاکنون نیفتاده است. حضرت امام(ره) که مکرر از صدور



انقلاب و اسلام صحبت می کردند، در یکی از صحبت هایشان در پاسخ به آن کسانی که تصور کرده بودند ما می خواهیم اسلام را با اسلحه و سرباز صادر کنیم، می فرمایند «و ما که می گوییم اسلام را ما می خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می توانیم. اما آنکه ما می توانیم این است که به وسیله دستگاه هایی که داریم، به وسیله همین صداوسیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه هایی که در خارج می روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد شد. بشر به فطرتش [که] یک فطرت سالم است، اگر یک چیزی را القا بکنند، روی فطرت سالم خودش قبول می کند و قدرتمندها از همین معنا می ترسند.»

هنر و دردهای جامعه

اما حضرت امام(ره) از زاویه دیگری نیز به هنرنگاه می کند.

بینید چقدر زیباست:





«هنر در مدرسه عشق نشان دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است.»

امام(ره) هنر را برای تشدید غفلت و تقویت عقب ماندگی جامعه نمی داند. و بسیار روشن تر از اتخاذ هر موضعی درباره هر موضوعی، می فرمایند:

«هنر در عرفان اسلامی، ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است.»

امام(ره) تنها به بیان دردها نمی پردازند. مسئولیت هنرمندان را از این فراتر دیده، و آنان را راهنمای جامعه به سوی سعادت می دانند:

«رسانه های گروهی، بویژه صداوسیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می توانند خدمت های گرانمایه ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه هایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود، و چه صداوسیما در برنامه ها و نمایشنامه ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم ها و هنرهای



آموزنده، باید همت گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته، و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه ها به ملت بیاموزند.»

نکته ظریف دیگری که امام(ره) به آن اشاره می فرمایند، توجه به اتمام اقشار جامعه است، نه مرعوب بخشی از اقشار جامعه شدن و سعی مفرط بر جلب نظر آنها؛ امری که در عرصه هنر، رایج به نظر می رسد.

جلوگیری از ابتذال

«و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند. ملت عزیز در طول پنجاه سال سیاه اخیر گرفتار مجلات و روزنامه های تخریب کننده و فاسد کننده نسل جوان و از آنها بدتر سینماها و رادیو تلویزیون بود که با برنامه های خود ملت را به حد وافر در آغوش غرب و غربزده ها غلتانید و ضررهای رسانه های



گروهی از خرابی های توپ و تانک ها و سلاح های مخرب بالاتر و بدتر است.»

یکی از برخوردهای امام(ره) با هنر برخورد سلبی است، آن هم با ابتذال در هنر. امام(ره) ژست روشن فکرانه و آزادی نمایی های منافقانه به خود نمی گیرند که آزادی در این عرصه را تحمل کنند؛ چرا که آزادی مطلق در عرصه هنر، یعنی به اسارت کشیدن روح انسان.

هیچ اشکالی ندارد حرف غلط یا حرفی که به نظر برخی از کارشناسان صاحب نظر، یا از نظر حاکمیت، غلط است در یک اثر هنری بیان شود، اما بازهم این فرق دارد با فریب کاری و ابتذال. میشود خط قرمزهایی را ترسیم کرد، البته نه فقط خط قرمزهایی | در حد برخی از احکام شرعی. و مهم تر از خط قرمزها، تعریف سازوکارهایی است که فریب کاری در این عرصه رواج نیابد، و در کنار آن، واکسینه کردن جامعه به گونه ای که کار فریب کارانه، بی اثر یا کم اثر شود. که باید در جای خود به تبیین این گونه سازوکارها پرداخته شود.





یک راهبرد برای عملی شدن هنر متعهد

امام (ره): هنرمندان به مدد روحانیون...

«در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه های دامنه دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده است، نویسندگان متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کرده و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را که برای همه قرون است. با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم (ص) و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت.»

معلوم می شود امام(ره) درباره اینکه چگونه ممکن است هنرمندان به سرچشمه های زلال معارف اسلام راه پیدا کنند. اندیشیده اند صریحا به هنرمندان خط می دهند که از عالمان دینی استفاده کنند و راهنمایی هایی را که لازم دارند دریافت نمایند.

هنرمندان بیش از هر چیز با احساسشان کار می کنند و اثرشان بیشتر به عواطف ناب انسانی شان وابسته است. و این امر



خوبی است. منتها هم باید آن را پرورش داد و هم باید تفاوت
است با انسانی را با اهواء نفسانی تشخیص داد.



خطاب امام(ره) به مدیران رسانه ملی

امام(ره): صدا و سیما باید اسلام را معرفی کند

«بنابراین، یک دستگاهی است این که نباید ما این را کم بشمریم، دستگاهی است که با صحت او بسیاری از مردم در داخل و خارج صحیح می شوند و با فساد او فاسد می شوند. از آن طرف مسئولیت بسیار است و از آن طرف که راه ارشاد است، ارزش زیاد است. همان طوری که ارزش دارد این دستگاه برای اسلام و جمهوری اسلامی، اسلام از این می خواهد که بهره برداری زیاد در راه اسلام بشود، تبلیغات زیاد در راه اسلام بشود. صدای جمهوری اسلامی که تقریباً به اکثر کشورها، به بسیاری از کشورها می رسد، این صدا باید یک صدایی باشد که مردم را ارشاد کند و اسلام را معرفی کند.»

فراگیری رسانه

در مورد فراگیر بودن رسانه، باید به دو موضوع توجه کرد که معمولاً از این دو مورد غفلت قرار می گیرد. اول آنکه رسانه باید به تمام اقشار توجه کند. یعنی اینکه باید به اضعف



مخاطبان توجه کند که معمولا این بخش مورد عنایت قرار می گیرد و گاهی در آن افراط هم می شود. به این صورت که هر برنامه ضعیفی ساخته می شود، می گویند رسانه برای همه اقشار است و برخی گروهها چنین برنامه هایی را می پسندند و ما باید آنها را در نظر بگیریم.

اما وجه دیگر این فراگیری که مورد غفلت است، مخاطبان برجسته و متدین رسانه است که گویا غالبا اینها جزء مخاطبان محسوب نمی شوند و برای رشد اینها برنامه های جدی ساخته نمی شود، یا بنا نیست تهیه شود. در حالی که اگر مرعوب مخاطبان پرتوقع و بی ایمان رسانه نشویم و برای این گروه هم به طور جدی برنامه سازی کنیم، آنگاه رسانه ارزشمندترین مخاطبان خود را خواهد یافت و به ایشان خدمت خواهد کرد و بسیاری از مخاطبان ضعیف هم به جمع آنها خواهند پیوست. اساسا در هر کار تبلیغی در مورد مخاطبان، نباید دچار افراط و تفریط شد و این یک اصل مهم در نحوه برنامه ریزی است. مهم تر آنکه، در طراحی و تولید یک برنامه، نباید به دلیل لزوم توجه به فراگیر بودن، سطح محتوا را به خاطر سطح مخاطب



تنزل داد، بلکه تنها باید روش بیان را ساده کرد که هم مخاطب برجسته بهره خود را ببرد و هم مخاطبان ضعیف تر پیام بلند آن را دریافت کنند. این مسئله در خصوص محتوای سریال ها بیشتر صدق می کند و عدم رعایت آن مشهود است.

البته دست کم دیدن مخاطبان و نگرانی مفرط از اینکه مبدا دیگر برنامه های ما را نگاه نکنند، و به برنامه های مبتذل تر ماهواره ها رو بیاورند، بیش از آنکه ناشی از طرز تلقی اداره کنندگان و تولید کنندگان باشد، می تواند ناشی از دو عامل دیگر باشد؛ اول، ناتوانی در ارائه هنرمندانه محصولات ارزشمند که بتواند عموم مخاطبان سطح پایین را هم جذب نماید و دوم، پایین بودن سطح خود اداره کنندگان و تهیه کنندگان که امیدواریم عامل دوم وجود نداشته باشد.

رسانه و اولویت عدم ایجاد انحراف

رسانه، نه تنها باید منحرف کننده نباشد، بلکه اشتباه هم در یک رسانه قابل تحمل نیست. مگر در موارد جزئی و حد و اندازه هایی که طبیعی به نظر می رسد.



آنگاه در جای دیگری می فرمایند:

«رادیو و تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیاد دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح. این با آنطوری که از اول شاید آنهایی که درست کردند اینها را نظر آموزشی داشتند به اینها، [به] این دستگاهها. تمام مطبوعات [هم] این طور است.»

رسانه می تواند بسیار سازنده باشد، اما یکی از عوامل عدم تحقق این امر، کمبود الگوهای خوب و سازنده است. باید در رسانه قسمتی باشد، که صرفاً مسئولیت الگوسازی داشته باشد. اگر در برنامه های رسانه الگوهای مناسب عرضه شود، دیگران از روی آن برنامه سازی خواهند کرد. مثل کاری که شهید آوینی انجام داد و نوعی از مستند سازی را وارد بازار کرد. لذا تاوقتی که برنامه سازی های بسیار خوب و مؤثر انجام نگیرد، عمق این نگاه که رسانه می تواند در اصلاحات اجتماعی تاثیر داشته باشد، دریافت نخواهد شد.

اگر اهتمامی به الگوسازی نشود، در فشار نیاز آنتن و فشردگی زمان، هیچ گاه به برنامه های فاخر نخواهیم رسید و هیچ



سرمایه گذاری ویژه ای برای تولید برنامه های نمونه و الگو انجام نخواهد شد و این امر در پیچ و خم اداری مغفول خواهد ماند.

اگر ابزار دیگری نیز برای اصلاح جامعه و فرهنگ سازی وجود داشته باشد که دارد، باید همیشه به رسانه اضافه گردد تا اثر مضاعف یابد.

دانشگاه عمومی

امام(ره) در ادامه سخن خود درباره نقش رادیو و تلویزیون، می فرمایند:

«دستگاه تلویزیون یا دستگاه رادیو که آموزنده باید باشد، قدرت بدهد به جوان های ما، جوان های ما را نیرومند کند.»
در سایر فرمایشات امام(ره) هم نکاتی شبیه به این به چشم می خورد:

«این دستگاه ها دستگاه های تربیتی است؛ باید تمام اقشار ملت با این دستگاه ها تربیت بشوند؛ یک دانشگاه عمومی است. دانشگاه ها دانشگاه های موضعی است، این یک



دانشگاه عمومی است یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است باید از آن، عمل دانشگاه را، به آن اندازه ای که می شود، استفاده کرد. باید این دستگاه دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غربزدگی بیرون کند؛ استقلال به مودم بدهد. این از همه چیزهایی که در این دستگاهها هست مهم تر است و این وظیفه دارد که با مردم حکم معلم و شاگرد داشته باشد. اشخاص نویسنده، اشخاص گوینده، اشخاص فهیم، اشخاص مطلع در اینجا صحبت بکنند. فرصت به آنها بدهند که در اینجا صحبت بکنند.»

در کلام دیگری می فرمایند:

«اگر این دستگاه (صداوسیما) که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهی ها، چیزهایی که جوان های ما را به تباهی کشید و می کشد حذف بشود و به جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان های ما می خورد و جوان های ما را



تربیت می کند... این اگر آموزنده باشد، برای همه ملت آموزندگی دارد و اگر خدایی نخواستہ انحرافی داشته باشد، همه ملت را به انحراف می کشد.»

سرگرم کننده بودن نه تنها با آموزشی بودن رسانه مغایرت ندارد، بلکه هیچ گاه تفکیک پذیر نیست و نمی توان برنامه ای ساخت که هیچ وجه تربیتی و یا آموزشی نداشته باشد. منتها اگر به این مسئله توجه شود، دیگر آن برنامه مخرب و نخواهد بود، و اگر بی توجهی شود معمولا از جهت تربیتی مخرب از آب درمی آید. اما آنچه اهمیت دارد، نشناختن لوازم این نگاه و ابعاد این تلقی از رسانه است.

نقش اول و مسئولیت بالاتر

امام(ره) در بیاناتشان به نکته مهمی درباره نقش صداوسیما هم اشاره می کنند:

«امروز نقش رادیو تلویزیون از همه دستگاه ها بالاتر است. اگر این اصلاح بشود یک کشور را می تواند اصلاح کند و اگر خدایی



نخواستہ انحراف در این باشد یک کشور را می تواند منحرف کند.»

صداوسیما برای اینکه بتواند این نقش را به درستی ایفا کند، باید معادل آنچه در جامعه می گذرد، با یک سازماندهی مناسب، در درون خود شبکه ای ایجاد کند و سپس مثل سایه به دنبال نهادها و مراکز اداره کننده جامعه حرکت کند و برای همه آن نهادها هم، حرفی برای گفتن داشته باشد. هر چه در جامعه و در هر گوشه و گذاری در حال وقوع است، صداوسیما نمی تواند بگوید که به من مربوط نمی شود. این خصلت نظام مبتنی بر امر به معروف و نهی از منکر و ویژگی خاص نظام اسلامی است که اولین رسالت پیامبرش ابلاغ و اصلاح است. و این به سادگی و سهولت مقدور است. منتها باید کار دقیق کرد.

به این ترتیب، صداوسیما یکی از نهادها نیست، بلکه در عرض همه نهادهای کشور است؛ حتی نهادهای غیر حکومتی مانند نهاد خانواده اگر صداوسیما مسئولیت خودش را این گونه تلقی کرد، آنگاه راه برای رشد باز می شود.



ویژگی های اداره کنندگان رسانه

اگر رسانه بخواهد منویات امام(ره) و مقام معظم رهبری را پیاده کند، باید مدیرانی داشته باشد که لااقل از چهار آگاهی اساسی برخوردار باشند.

اولا در حد اطمینان برانگیزی، اسلام شناس باشند. مثلا از بن دندان خط فکری امام(ره) را درک کرده باشند. و منویات مقام معظم رهبری را عمیقا بفهمند.

ثانیا انسان شناس باشند؛ اعم از فردی و اجتماعی، باید مخاطب رسانه را بشناسند. عالمانه از جامعه و انسان مخاطب خبر داشته باشند.

ثالثا رسانه شناس باشند، و کارکردهای رسانه را بشناسند. البته نه آن گونه که غربی ها برای ما دیکته کرده اند، بلکه شناختی عمیق از کارکردهای رسانه بر مبنای شرایط، مقتضیات و نیازهای امروز جامعه.

رابعا هنرشناس و یا هنرمند باشند، و حتما هنرمندان را هم بشناسند.

وجود این چهار نوع آگاهی در حد قابل اعتنایی در یک مدیر رسانه ای لازم است، و الا کار آن هیات علمی را مختل خواهد کرد اگر هم لازم است باید آموزش ها برای افراد مستعد آغاز



شود. اگر چه علمی که باید تعلیم ببینند هنوز به خوبی تولید نشده است ولی به فرد باید جایی شروع کرد.



شادی روح شهید و امام شهید صلوات



مرکز نسرا سازمان فضای
مجازی بسیج استان یزد

📍 @NASRA_YAZD

📷 @NASRA.YAZD